مروری بر آراء و اندیشه های دکتر محمد سعید رمضان البوطی

مقدمه

به جرات مي توان مدعي شد امروزه خطر جريان منحرفي همچون وهابيت، صرفا مكتب تشيع را تهديد نمي كند بلكه اين خطر عظيم، اهل سنت را نيز تهديد كرده و جامعه سني مذهبان را نيز با مشكلات عديده اي ربه رو كرده است. بدين سان كه خوانش انحرافي آئين وهابيت از مباني و معارف دين، موجب شده است عده اي از جوانان اهل سنت، از مسير مذهب تسنن فاصله گرفته و به جرگه پيروان محمد بن عبدالوهاب بپيوندند. از همين رو، علاوه بر علماي شيعي، عالمان متعددي از ميان اهل سنت نيز به مبارزه علمي در مواجهه با انحرافات وهابيت پرداخته اند. به عنوان نمونه محمد سعيد رمضان البوطي از جمله علماي سني مذهبي است كه بخش اعظمي از عمرش را صرف مبارزه علمي با وهابيون و مدعيان سلفيت كرده است. از آنجايي كه معرفي چنين عالمان نوانديشي موجب بيداري بيش از پيش جامعه اسلامي مي شود لذا در ادامه ضمن اشاره مختصري به زندگاني محمد سعيد رمضان البوطي، همچنين به برخي از تفكرات ايشان اشاره مي شود.

الف: مروري مختصر بر زندگاني محمد سعيد رمضان البوطي

محمد سعيد رمضان البوطي از علماي اشعري و شافعي مذهب معاصر، در سال1348 هجري قمري(1929 ميلادي) در دهكده «جليكا» واقع در غرب آناتولي تركيه متولد شد. پدرش ملارمضان البوطي از علماي كرد آن منطقه بود بدين جهت هنگامي كه در حكومت آتاتورك بر تركيه، سياست هاي سكولاري رواج پيدا كرد، محمد سعيد بهمراه خانواده اش در سال 1934 ميلادي به دمشق مهاجرت كرد.

در دمشق، تحصيلات مقدماتي را فرا گرفت و سپس به يادگيري علومي همچون رياضيات، تفسير، منطق، كلام، اصول و فقه مشغول شد. كسب مهارت هاي علمي البوطي تا جايي پيش رفت كه در سال 1956 ميلادي، موفق شد به دانشگاه الازهر مصر وارد شود.

پدرش در ابتدا معتقد بود هرگونه فعاليت مذهبي براي كسب پول جايز نيست از همين رو محمد سعيد، در كنكور آموزش و پرورش شركت نمي كرد تا اينكه نظر پدر تغيير كرد و وي توانست در كنكور مذكور شركت

كرده و به عنوان آموزگار شريعت، به استخدام آموزش و پرورش در آيد.

محمد سعيد در كنار تدريس، همچنين موفق شد در سال 1965 ميلادي، مدرك دكترايش را از دانشگاه الازهر مصر دريافت كند. از همين رو تدريس دروسي همچون فقه مقايسه اي، مطالعات اسلامي، اصول فقه، عقايد اسلامي، سيره نبوي را در دانشگاه آغاز كرد. وي تا جايي پيشرفت كرد كه توانست پس از مدتي، به رياست دانشگاه دمشق برسد.[1] البته تدريس و انجام فعاليت هاي اجرايي و رسانه اي موجب نشد محمد سعيد البوطي، از تاليف آثار و نوشته جات علمي غفلت كند. بلكه از وي حدود 60 عنوان كتاب به يادگار مانده است. در بخش بعد، اسامي برخي از نوشته جات محمد سعيد رمضان البوطي ذكر مي شود.

ب: برخي از تاليفات البوطي

همانطور كه در بخش قبل نيز بدان اشاره شد، از محمد سعيد رمضان البوطي، حدود 60 عنوان كتاب بر جاي مانده است كه برخي از اين آثار عبارتند از:

1: الحكم العطائيه

2: الاسلام و العصر

3: اوربه من التقنيه الي الروحانيه

4: كبري اليقينيات الكونيه

5: ا ام الانسان

6: مع روائع القرآن

7: تجزيه التربيه الاسلاميه

8: هذه مشكلاتهم

9: هذه مشكلاتنا

10: من الفكر و القلب

11: علي طريق العوده الي الاسلام

12: دفاع عن الاسلام و التاريخ

13: في سبيل ا و الحق

14: الجهاد في الاسلام

15: السلفيه مرحله زمنيه مباركه لا مذهب اسلامي

16: اللامذهبيه اخطر بدعه تهدد الشريعه الاسلاميه

17: مقدمه اي بر كتاب «نصيحه لاخواتنا علماء نجد»

ج: مروري بر برخي از مهم ترين آراء و افكار البوطي

1: خروج بر عليه حكام مسلمان جايز نيست

يكي از مهم ترين اعتقادات البوطي كه در آثارش به وضوح قابل مشاهده است، ممنوعيت خروج بر عليه حاكم مسلمان است. بدين سان كه به عقيده وي، تا زماني كه حاكم جامعه اسلامي كه از راه مشروع به حكومت رسيده است[2]، دچار كفر بواح و آشكار نشده باشد، نمي توان بر عليه او خروج كرد[3] . چرا كه روايات متعددي خروج بر عليه حكام مسلمان را ممنوع دانسته اند. به عنوان نمونه از رسول خدا(صلي ا عليه وآله) چنين نقل شده است: « مَن كره من اميره، شيئا فليصبر، فانه من خرج علي السلطان شبرا فمات، مات ميته جاهليه»[4]

روي سخن البوطي، طبيعتا با تكفيري هايي است كه به اندك بهانه اي، حكام مسلمان منطقه را كافر

دانسته و لذا تصميم مي گيرند كه بر عليه آنان خروج كنند.

2: تكفير و كشتار اعوان و انصار حاكمان جوامع اسلامي نيز جايز نيست

البوطي در عبارت ديگري چنين تصريح كرده است: وقتي خروج بر حكام جوامع اسلامي تا هنگامي كه كفر بواح از آنان سر نزند، ممنوع است از همين رو بايد گفت: به طريق اولي، تكفير و كشتار اعوان و انصار چنين حاكماني نيز ممنوع مي باشد. چنانكه ادله فراواني بر اين ادعا دلالت مي كنند به عنوان مثال: از برخورد پيامبر اكرم (صلي ا عليه وآله) با حاطب بن ابي بلعه (كه از معروف ترين انصار مشركين قريش بود)، مشخص مي شود به مجرد اينكه شخص، حتي از اعوان و انصار مشركين بوده است نمي توان وي را تكفير كرده و سپس به قتل رسانيد.[5]

3: آمريكا و كشورهاي غربي به دنبال تجزيه مناطق مسلمانان هستند.

محمد سعيد البوطي با بيان اينكه از تصريحات برخي از مقامات بلند پايه آمريكايي معلوم مي شود كه آنان راه چاره تسلط بر مسلمانان را در تجزيه كشورهاي اسلامي ديده اند، مي افزايد: از همين رو بروز اختلافات بين حاكمان كشورهاي اسلامي و مسلمانان ساكن در اين كشورها، بيش از همه، به نفع استعمار و غرب است.[6]

4: اعتراض البوطي به عقيده وهابيون راجع به زيارت قبور و تبرك جويي به آثار اولياء الهي

محمد سعيد البوطي در تقريظي كه در ابتداي كتاب «نصيحه لاخواننا علماء نجد»[7] نگاشته است، به ممنوعيت هايي كه وهابيون براي زيارت قبور بقيع و تبرك جويي به آثار برجاي مانده از اولياء الهي ايجاد كرده اند، شديدا معترض شده و مي نويسد: در عصر رسول خدا(صلي ا عليه وآله) و سلف امت، به آثار رسول ا (صلي ا عليه وآله) تبرك جويي مي شده است[8].

5: وهابيت برخلاف سيره سلف امت، آثار برجاي مانده از اولياء الهي را تخريب كردند

البوطي در عبارت ديگري مي نويسد: متاسفانه وهابيون، برخلاف آنچه در سيره سلف امت شاهد آن هستيم، بسياري از آثار برجاي مانده از اولياء الهي را تخريب كرده اند تخريب منزلي كه پيامبراكرم(صلي ا عليه وآله) در آنجا متولد شدند و همچنين تخريب منزل حضرت خديجه كبري(سلام ا عليها) از جمله

اين تخريب ها به حساب مي آيند. حال آنكه اين آثار، در نزد مسلمين(ادوار مختلف) داراي شرافت و ارزش بوده است.[9]

6: روش وهابيون، به انشقاق جهان اسلام ختم مي شود

به عقيده البوطي، روشي كه وهابيون آن را پي گرفته اند ختم به ايجاد شكاف و انشقاق در جهان اسلام خواهد شد. البته راه حل مقابله با وهابيون از نگاه محمد سعيد رمضان البوطي اين است كه علماي وهابيت را در مجمعي علمي جمع كنيم و با آنان طبق موازين دقيق، مباحثات علمي برگزار كنيم.[10]

7: نمي توان مخالفين خود را خارج از دين و بدعت گذار معرفي كرد

البوطي با بيان اينكه اختلاف نظر علمي، مسئله اي رايج حتي درصدر اسلام بوده است، تاكيد مي كند وقتي در مسئله اي علمي، اختلاف آراء پيش آمد، حق نداريم هيچ مجتهدي را گمراه، خارج از دين، بدعت گذار، منحرف از طريق سلف صالح بخوانيم.[11]حال آنكه وهابيون چنين بوده و مدعي آنند كه تنها وهابي مسلكان بر حقند و تنها آنان هستند كه بر عقيده سلف بوده و شيوه سلف را در فهم و اجراي اسلام بيان مي كنند.[12]

8: هيچ يك از مسلمانان را نمي توان، تكفير كرد

به عقيده محمد سعيد البوطي، جايز نيست مسلماني را كه اهل قبله است و اركان ايمان در انديشه و دل او شكل گرفته را به خاطر ارتكاب گناهي كبيره يا صغيره، تكفير كرد.[13] همچنين وي در جاي ديگري نيز تصريح مي كند: از آنجايي كه حقيقت ايمان، امري پنهاني است كه ديگران از آن اطلاعي نمي يابند بنابراين واجب است بر هر مسلماني بر حسب ظاهري كه دارد يعني همان اسلام، برخورد شود.[14]

9: اهميت وحدت جامعه اسلامي

البوطي معتقدست كه وحدت بخشيدن به امور مسلمين، و گرد آوردن همه آنان بر محور هدايت و رشد، از مهم ترين اهداف و مباني دين است.[15]

10: انكار امامت شيخين توسط شيعيان، از اسباب كفر نيست

در نگاه محمد سعيد رمضان البوطي، باتوجه به اينكه صرف انكار امري اجماعي، موجب كفر انسان نمي شود، از همين رو انكار امامت شيخين توسط شيعيان نيز موجب نمي شود كه بتوانيم آنان را تكفير كنيم.[16]

11: اخذ سلفيه به عنوان يك مذهب، بدعتي است كه با پيروي از سلف، سازگاري ندارد

البوطي تصريح كرده است كه ساختن مذهبي به نام سلفيه، كه بر اساس تعصب به سلف امت، استوار است، خارج از پيروي از سلف است.[17]

12: چگونگي ناميده شدن وهابيت به سلفيه

البوطي مدعي شده است كه واژه «سلفيه» در ابتدا توسط افرادي همچون: محمد عبده، جمال الدين اسدآبادي، رشيدرضا و عبدالرحمن كواكبي، آن هم در مصر استفاده شده است. البته برخلاف امروزه، شاهد آن هستيم كه اين شعار در آن زمان يك مذهب نبود. بلكه تنها يك دعوت بود.[18] تا اينكه وهابيون از آن جهت كه ناميدن مذهبشان به وهابيت را نمي پسنديدند، مذهب خود را «سلفيه» نام نهادند.[19]

13: مبارزه البوطي با پديده شوم «لا مذهبيت»

در ايامي كه عده اي به هر روشي مدعي آنند كه نبايد از مذاهب اربعه تقليد كرد، محمد سعيد رمضان البوطي، كه بشدت با چنين طرز فكري مخالف بود، كتابي با عنوان«اللامذهبيه اخطر بدعه تهدد الشريعه الاسلاميه» تاليف كرد و در آن با استناد به ادله فراواني، درصدد اثبات مشروعيت تقليد از مذاهب اربعه برآمد.

د: وفات محمد سعيد رمضان البوطي

سرانجام شيخ محمد سعيد رمضان البوطي عصر روز پنج شنبه 9 جمادي 1434هجري قمري، در حال تدريس در مسجد الايمان در شهرك المزرعه دمشق، بر اثر انفجار بمب به شهادت رسيد.[20]

ه: جمع بندي

با مطالعه آثار محمد سعيد رمضان البوطي به دست مي آيد كه وي از جمله عالمان سني مذهبي محسوب مي شود كه تلاش هاي فراواني را براي مبارزه با مدعيان سلفيت انجام داده است. از همين رو مطالعه آثار اين دانشمند معاصر، در جهت نقد افكار وهابيون و تكفيري ها، امري مفيد به حساب مي آيد.

[1] . افتخاري، اصغر، مباني نظري و عملي انديشه سياسي محمد سعيد رمضان البوطي، چاپ شده در پژوهش علوم سياسي شماره 4، بهار و تابستان 86، صفحه 105 تا 137.

[2]. از نگاه اهل سنت و البته البوطي، حكومت حاكمي مشروعيت دارد كه از يكي از اين 3 راه به حكومت برسد:

«1: بيعت اهل حل و عقد با وي؛ 2: انتخاب توسط حاكم قبلي؛ 3: استيلاء و غلبه؛» البوطي، محمد سعيد، الجهاد في الاسلام، ص148، دارالفكر المعاصر بيروت- دارالفكر دمشق، چاپ اول، 1414ه‍ق.

[3] . البوطي، محمد سعيد، الجهاد في الاسلام، ص147، دارالفكر المعاصر بيروت- دارالفكر دمشق، چاپ اول، 1414ه‍ق.

[4]. همان، ص151.

[5]. همان، ص159 و 160.

[6]. همان، ص178.

[7]. نوشته يوسف بن السيد هاشم الزفاعي

[8]. مقدمه نصيحه لاخواننا علماء نجد، ص8 و 11.

[9]. همان، ص11 و12.

[10]. همان، ص14.

[11] . البوطي، محمد سعيد، السلفيه مرحله زمنيه مباركه لا مذهب اسلامي، ص20 و 21، دارالفكر المعاصر بيروت - دارالفكر دمشق، چاپ چهاردهم، 1431ه‍.ق.

[12]. همان، ص236.

[13]. همان، ص100.

[14]. همان، ص105.

[15]. همان، ص102.

[16]. همان، ص107.

[17]. همان، ص221.

[18]. همان، ص234.

[19]. همان، ص236.

[20]. مجله سراج منير، شماره21.

منبع: https://www.alwahabiyah.com/fa/Mostabserview/36540